

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی

محمدهادی فلاحی*

راضیه امیری**

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا استعاره‌های متداول در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی را در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی و براساس الگوی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین موردبررسی قرار دهد تا شیوه مفهومی‌سازی گویشوران را از تجارب گوناگون در گذر زمان بیان کند. طرح‌واره‌های تصویری زمینه‌ساز ارتباط میان تجارب فیزیکی انسان و حوزه‌های شناختی به‌مراتب پیچیده‌تر همانند زبان هستند. روش انجام این پژوهش به‌صورت توصیفی - استقرایی بوده و گردآوری داده‌ها به‌صورت کتاب‌خانه‌ای و میدانی صورت پذیرفته است. از میان هشتصد ضرب‌المثل گردآوری شده تعداد ۲۷۶ مورد دارای طرح‌واره تصویری موردبررسی و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که انواع کلی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین از جمله طرح‌واره‌های فضا، مهارشدگی، جابه‌جایی (حرکت)، نیرو، توازن، هم‌سانی، و موجودیت در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی یافت می‌شود. طرح‌واره مهارشدگی و پس‌از آن طرح‌واره حرکتی بیش‌ترین و طرح‌واره تعادلی کم‌ترین میزان کاربرد را در میان ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی دارد.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره تصویری، استعاره، ضرب‌المثل، گویش ترکی قشقایی.

* استادیار گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، شیراز (نویسنده مسئول)

fallahi@ricest.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، شیراز، a.amiri3798@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

۱. مقدمه

نگرش شناختی از نگرش‌های تاحدی نوین در زبان‌شناسی است که در آن زبان بازتاب‌دهنده الگوی اندیشه و ویژگی‌های ذهنی انسان است (Craft and Cruse 2004). لوینر این علم را شامل شیوه کارکرد ذهن، چگونگی دریافت اطلاعات از محیط توسط حواس و نحوه پردازش آن‌ها، تشخیص آن‌چه ادراک شده، مقایسه آن با داده‌های پیشین ذهن، و طبقه‌بندی و ذخیره این داده‌ها در ذهن می‌داند (Loebner 2002: 171). در واقع، «زبان‌شناسی شناختی رویکردی است که به زبان به مثابه وسیله‌ای برای سازمان‌دهی، پردازش، و انتقال اطلاعات می‌نگرد. در این رویکرد، زبان نمودی از نظام تصور ذهنی است» (Geeraerts 1995).

معنی‌شناسی شناختی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی است. این گرایش برای نخستین بار از سوی لیکاف (Lakoff 1987) معرفی شد. به دلیل اهمیت معنا در زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (Langaker 2008 b: 67). در این رویکرد، ساختار اصلی زبان بازتابی از شناخت است و تحلیل زبان با تمرکز بر معنا ممکن است. معنی‌شناسی شناختی به بررسی رابطه تجربه، نظام مفهومی، و ساختار معنایی معین شده توسط زبان می‌پردازد (راسخ‌مهند ۱۳۸۹: ۲۲). برپایه این رویکرد، تصور و ادراک انسان برگرفته از تجربیات جسمانی اوست که زمینه تفکر و تعقل را فراهم می‌آورد. مطابق این رویکرد، ساختارهای تصویری انسان در قالب طرح‌واره تصویری (image schema) و استعاره (metaphor) قابل بررسی است. در واقع، طرح‌واره‌های تصویری از ساخت‌های مهم در پژوهش‌های معنی‌شناسی شناختی به‌شمار می‌روند که به عقیده جانسون (Johnson 1998)، سطح اولیه‌تری از ساخت‌شناختی زیربنای استعاره را تشکیل می‌دهند و امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی انسان را، با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری مانند زبان، فراهم می‌کنند. به بیانی دیگر، معناشناسان شناختی، به واسطه طرح‌واره‌های تصویری، شکل‌گیری معنا را در ذهن مورد بررسی قرار می‌دهند (گندمکار ۱۳۹۰: ۱۱۶). در این پژوهش در چهارچوب زبان‌شناسی شناختی، ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی در قالب طرح‌واره‌های تصویری بررسی می‌شوند.

۲. طرح‌واره‌های تصویری

نظریه طرح‌واره‌های تصویری از نظریات بنیادی است که ابتدا در معناشناسی شناختی مطرح شد و پس از آن در علوم شناختی دیگر، نظیر روان‌شناسی شناختی، نیز مورد توجه قرار

گرفت. مفهوم طرح‌واره تصویری با شناخت جسمی شده مرتبط است. نخستین بار لیکاف و جانسون پرسشی را، بر مبنای این که پیچیدگی نظام مفهومی ما از کجا ناشی می‌شود، مطرح کردند و پاسخ این بود که این گونه پیچیدگی از ارتباط میان ویژگی‌های جسمی ما و انواع مفاهیمی حاصل می‌شود که قادر به ساختن آن هستیم. به بیانی دیگر، تجربه جسمی شده ما پایه و اساس ساختن مفاهیم است (راسخ‌مهند ۱۳۹۶: ۴۵). از سوی دیگر، بارتلت (Bartlett 1932)، روان‌شناس انگلیسی، از پیروان روان‌شناسی گشتالت، و نخستین فردی که مفهوم طرح‌واره را مطرح کرد، معتقد است که یک طرح‌واره مشتمل بر سازمان فعال تجربیات گذشته است. وی طرح‌واره‌های تصویری را به عنوان طرح‌های ذهنی کلیشه‌ای یا سناریوی موقعیت‌ها و رخدادها توصیف می‌کند که از تجربیات متعدد رخدادهای مشابه حاصل شده است (Qiu and Huang 2012: 243). با در نظر گرفتن این توصیف‌ها، مارک جانسون (Mark Johnson)، طرح‌واره‌های تصویری و کاربرد آن را در زبان مورد بررسی قرار داد. وی طرح‌واره تصویری را به عنوان یک نظریه در کتاب *بدن در ذهن* در سال ۱۹۸۷ مطرح کرد. وی طرح‌واره تصویری را بازنمایی مفهومی انتزاعی می‌داند که مستقیماً از تعامل روزانه ما با جهان خارج ناشی می‌شود (Johnson 1987; Fuchs 2007: 5; Ibáñez 2008: 124; Littlemore 2009: 83). پس از وی، دانشمندان بسیاری به معرفی و تبیین نظریات خود و ارائه انواع متعددی از این طرح‌واره‌ها در قالب معنی‌شناسی شناختی پرداختند. ایوانز (Evans) و گرین (Green) از جمله این اندیشمندان بودند که در سال ۲۰۰۶ در کتاب خود، با عنوان *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی*، به معرفی معنی‌شناسی شناختی و اصول شناختی پرداختند و فهرستی از طرح‌واره‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها را معرفی و تبیین کردند. از دیدگاه حاجی نصرالله (۱۳۸۱: ۲۳) طرح‌واره، بازنمایی عناصر اصلی موجود در یک رخداد و ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر است. گویا و حسام، به نقل از سیف (۱۳۷۹)، طرح‌واره را ساختار انتزاعی نشانگر اطلاعات ذخیره‌شده در حافظه معرفی می‌کنند. آن‌ها معتقدند طرح‌واره، انتزاعی است، زیرا اطلاعات مرتبط به هر چیزی را خلاصه می‌کند و ساختار است، زیرا نشانگر چگونگی ارتباط اجزای اطلاعاتی است (گویا و حسام ۱۳۸۶: ۱۷۹، به نقل از سیف ۱۳۷۹).

تاکنون پژوهش‌گران علوم شناختی تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را از طرح‌واره‌های تصویری ارائه داده‌اند. جانسون طرح‌واره‌های حجمی، حرکتی، و قدرتی را ارائه کرده است (Johnson 1987). ترنر نیز طرح‌واره‌های حرکتی، حجمی، تقارن، توازن، و نیروپویایی را مطرح کرده است (Turner 1996: 27-30). ایوانز و گرین، با گسترش دسته‌بندی سه‌گانه جانسون، تقسیم‌بندی دقیق‌تری را ارائه کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. طرح‌واره فضایی (spatial schema): بالا-پایین، جلو-عقب، چپ-راست، نزدیک-دور، مرکزی-پیرامونی؛
۲. طرح‌واره مهارشدگی (control schema): حجم (ظرف)، درون-بیرون، سطح، پر-خالی؛
۳. طرح‌واره جابه‌جایی یا حرکتی (locomotion schema): مقدار حرکت، مبدأ-مسیر-مقصد؛
۴. طرح‌واره تعادل (balance schema): تعادل محوری، تعادل دوکفه‌ترازی، موازنه، تعادل نقطه‌محور؛
۵. طرح‌واره قدرت (force schema): اجبار، سد، نیروی متقابل، انحراف جهت، رفع مانع، توانایی، جذب؛
۶. طرح‌واره پیوستگی (unity schema): ممزوج‌شدن، مجموعه، جزء-کل؛
۷. طرح‌واره این‌همانی (consistency schema): نگاه‌داری، واقع‌شدن بر روی شیء؛
۸. طرح‌واره موجودیت (existence schema): چرخه، فضای کران‌دار (bounded space)، فرایند، شیء (Evans and Green 2006: 190).

پژوهش حاضر بر مبنای دسته‌بندی ایوانز و گرین (Evans and Green 2006) صورت پذیرفته است.

۳. ضرب‌المثل

در میان فارسی‌زبانان به مثل «داستان» یا به‌تخفیف «دستان» گفته می‌شود و در لغت به معنای برهان، حدیث، آیه، و عبرت است و در اصطلاح، جمله‌ای مختصر شامل تشبیه با مضمونی حکیمانه است که به دلایلی از جمله معنای صریح، روانی الفاظ، و لطافت ترکیب در میان عموم مردم مشهور شده است. ضرب‌المثل‌ها در غنای زبان و فرهنگ یک قوم و هم‌چنین در حفظ واژگان آن زبان تأثیر به‌سزایی دارند (بهمن‌یار ۱۳۶۹). به عقیده ذوالفقاری، «ضرب‌المثل‌ها که به‌صورت سینه‌به‌سینه و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و بر غنای آن‌ها افزوده می‌شود، نشان خردمندی، ذوق، و ذائقه هر ملت‌اند، از این‌رو گستره و کمیت مثل‌ها در هر ملتی با میزان دانایی و خردمندی آن‌ها بستگی مستقیم دارد» (ذوالفقاری ۱۳۸۶: ۳۷). از دیدگاه گری (Gary)، ضرب‌المثل عبارت است از گفتار عامیانه کوتاه که نمایان‌گر واقعیتی عام است و گاه به زبان استعاری بیان می‌شود، مانند «سنگ غلتان بی‌آرایش است» (گری ۱۳۸۲: ۲۶۳). دهخدا نیز ضرب‌المثل را چنین تعریف کرده است:

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۶۳

ضرب‌المثل عبارت است از ذکر چیزی تا ظاهر شود اثر آن در غیر آن چیز؛ در ضرب‌المثل تا مشابهت در بین نباشد، مثل صورت نگیرد و برای آن ضرب‌المثل نامیده شد که شیء محل زدن واقع گردید، یعنی چیزی که در آغاز امر بیان شده درثانی موردضرب‌المثل واقع گردیده، سپس درباب استعاره برای هر حالت یا افسانه‌ای یا صفتی جالب نظر، که شگفتی در آن نیز باشد، استعمال گردد (نعت‌نامه ۱۳۳۰: ذیل مدخل «ضرب‌المثل»).

در فرهنگ آکسفورد (New Oxford American Dictionary 2012)، نیز ضرب‌المثل‌ها به صورت جملات استعاری کوتاهی تعریف شده‌اند که پندها، نکات، و گفته‌های اخلاقی را در بر دارند، ریشه در فرهنگ و ادبیات یک ملت دارند، و به دلیل استفاده مکرر درمیان سخن‌گویان یک زبان به لحاظ فرهنگی ریشه‌دارند. ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی نیز از گذشته‌های دور تا کنون به صورت سینه‌به‌سینه حفظ شده و به نسل‌های بعدی انتقال یافته‌اند و نمایان‌گر هنجارها، بینش‌ها، و فرهنگ مردم این ایل هستند.

۴. قوم ترک زبان قشقایی

ایران کشوری پهناور است که اقوام و نژادهای مختلف، با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون، را در خود جای داده است. از جمله این اقوام ایل قشقایی است که از دیدگاه ابرلینگ (Oberling 2003)، همانند بسیاری از اتحادیه‌های ایلی متأخر ایران، ترکیبی از قبیله‌هایی با ریشه‌های قومی مختلف مانند ترک، لر، کرد، و عرب است، اما بیش‌تر قشقایی‌ها ریشه‌ای ترک دارند و تقریباً اکثریت آن‌ها به گویشی از زبان‌های ترکی اغوز غربی تکلم می‌کنند که خود آن را ترکی می‌نامند. درمورد ریشه نام قشقایی تردیدهای فراوانی وجود دارد. قابل‌قبول‌ترین نظر درباره ریشه نام قشقایی نظری است که نخستین بار واسیلی بارتولد (Bartold) آن را مطرح کرده است. به عقیده وی، نام قشقایی از واژه ترکی «قشقا»، به معنی «اسب پیشانی سفید»، برگرفته شده است. حسن فسایی نظر دیگری را نیز نخستین بار در «فارس‌نامه ناصری مطرح کرده است. به عقیده فسایی، نام قشقایی از واژه ترکی «قاجماق» به معنی «فراری» گرفته شده است. کیانی، به نقل از مرسدن (Marsden)، درباره ریشه قشقایی چنین بیان می‌کند: «نام قشقایی از فامیل شخصی به نام جانی آقا، از صاحب‌منصبان شاه‌عباس، گرفته شده که وی از جانب شاه‌عباس به حکومت قبایل فارس مأمور می‌شود»

(کیانی ۱۳۷۶: ۴۹). ابرلینگ (Oberling 2003) درباره تاریخچه قشقایی می‌نویسد قشقایی‌ها عموماً معتقدند که نیاکانشان با سیمت قراولان لشکر هولاکوخان و تیمور از ترکستان به ایران آمده‌اند، درحالی‌که ورودشان به ایران در اثنای مهاجرت‌های بزرگ قبیله‌ای قرن یازدهم میلادی احتمال بیش‌تری دارد. همه آن‌ها درباره اقامت قشقایی‌ها در شمال غربی ایران پیش از ورودشان به فارس اتفاق نظر دارند. تا همین اواخر، قبیله‌ای با نام مغانلو در میان قشقایی‌ها حضور داشته که به‌یقین نام خود را از دشت مغان، در شمال اردبیل، گرفته بوده است. غیر از این، قشقایی‌ها غالباً اردبیل را به‌عنوان سرزمین گذشته‌شان معرفی می‌کنند. به‌نظر می‌رسد که در یک دوره میان خلیج‌ها و قشقایی‌ها ارتباط نزدیکی وجود داشته است. برخی نویسندگان، از جمله حسن فسایی، قشقایی‌ها را شاخه‌ای از خلیج‌ها معرفی کرده‌اند.

افراد ایل به‌گوش ترک قشقایی، که یکی از شاخه‌های گروه‌های زبانی ترکان است، سخن می‌گویند. زبان ترکی از لحاظ نسبی و تباری از گروه زبان‌های آلتایی محسوب می‌شود. زبان‌های آلتاییک به زبان‌هایی اطلاق می‌شود که گویشوران آن‌ها از منطقه میان کوه‌های اورال و آلتایی در شمال ترکمنستان برخاسته و هر گروه با زبان‌های مختلف به نواحی مختلف مهاجرت کرده‌اند. این گروه از زبان‌ها عبارت‌اند از: زبان‌های فنلاندی، مجاری، اورالیک، ترکی، مغولی، منچو، و تونقوز. در گروه زبان‌های ترکی گونه‌های مختلفی وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها، از دیدگاه هیأت (۱۳۸۰: ۱۹-۲۰)، عبارت‌اند از یاقوت‌ها، چوداش‌ها، قرقیزها، قزاق‌ها، ترکان ترکستان شرقی یا ایغورها، ازبک‌ها، ترکمن‌ها، ترکان غازان، باشقرد، ترکان شمال قفقاز (قوموق - نوقای)، ترکان غرب ترکیه، آذربایجان، عراق و سوریه، ترکان کریمه، ترکان بالکان، اقاووزی‌ها یا گوگو اوغوزها (ترکان مسیحی رومانی)، ترکان آلتای، ترکان خاکاس - آباقان، و ترکان سویون یا تووا.

ترکی قشقایی از خانواده ترکی آذربایجانی است. لهجه قشقایی، با آن‌که آذربایجانی است، از آغوز خالص‌تر و به لهجه آناتولی نزدیک‌تر است (همان). با وجود نظریه‌های مطرح‌شده، ترکی قشقایی در بسیاری از موارد با ترکی آذربایجانی تفاوت‌های کلی دارد و نزدیکی بیش‌تری با زبان ترک‌های مرکزی ایران دارد.

۵. پیشینه پژوهش

تاکنون در زمینه طرح‌واره‌های تصویری و استعاره‌های مفهومی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. از جمله پژوهش‌های خارج از ایران می‌توان به این‌ها اشاره کرد: «تصور

استعارگی (زندگی سفر است) در قرآن: یک تحلیل معناشناسی شناختی» به قلم محمد عبدالمنعم (Mohammad Abdulmoneim 2006)، «درک استعاره‌های زمان و مفاهیم فرهنگی: تحلیل قرآن و ترجمه‌های انگلیسی قرآن» نوشته اویدا (Eweida 2006)، متون شغلی به قلم اسمیت (Smit 2010)، مقاله‌های خبری نوشته اساجر (Esager 2011)، و فیلم و هنر به قلم کگنارتس و کراوانجا (Coegnarts and Kravanja 2012). در بین پژوهش‌های داخلی می‌توان به پژوهش باقری خلیلی و محرابی کالی (۱۳۹۲) اشاره کرد که طرح‌واره‌های چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی را بررسی کرده است و تحلیل شناختی آن‌ها نشان داد که درک حرکت خطی سعدی بر واقع‌گرایی وی دلالت دارد و در گروه انسان‌های تراژیک جای می‌گیرد و فهم دایره‌ای حافظ بر آرمان‌گرایی او دلالت دارد و وی در شمار انسان‌های حماسی جای می‌گیرد. خسروی، خاک‌پور، و دهقان (۱۳۹۳) به بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی، و قدرتی) پرداخته‌اند و نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که خداوند برای فهم بهتر و آسان‌تر آیات الهی در قرآن از روش‌های گوناگون، از جمله تصویرسازی، بهره گرفته است که به تأثیرگذاری بیش‌تر آن‌ها منجر می‌شود. باباسالاری و دیگران (۱۳۹۴) و ذوالفقاری (۱۳۹۵) به بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی پرداخته‌اند و در پژوهش آن‌ها کاربرد هر سه طرح‌واره پایه در تمامی کتاب‌های شش پایه تحصیلی مشاهده شد که بیش‌ترین میزان کاربرد ابتدا به طرح‌واره حجمی، سپس طرح‌واره حرکتی، و در نهایت به طرح‌واره قدرتی اختصاص دارد.

در زمینه ضرب‌المثل نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است. روشن، یوسفی‌راد، و شعبانیان (۱۳۹۲) انواع طرح‌واره‌ها را براساس انگاره ایوانز و گرین (Evans and Green 2006) در ضرب‌المثل‌های گیلکی مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه پژوهش آنان نشان داد که طرح‌واره حجمی بسامد وقوع بیش‌تری از دیگر طرح‌واره‌ها دارد. شیخ سنگ تجن (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی پرداخته است. نتیجه تحقیق وی نشان داد که فراوانی طرح‌واره حجمی و پس از آن طرح‌واره حرکتی بیش‌تر از طرح‌واره‌های دیگر در ضرب‌المثل‌های تالشی بوده است. پاکزاد، ویسی، و نقی‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی پرداخته‌اند. نتیجه پژوهش آن‌ها نشان داد که تعامل تجربه و محیط پیرامون در شکل‌گیری طرح‌واره‌ها و استعاره‌های مفهومی نقش ارزش‌مندی در کاربرد مفاهیم شناخته‌شده در گفتمان مخاطبان ایفا می‌کند. در این

گویش فراوانی طرح‌واره حجمی از سایر طرح‌واره‌ها بیش‌تر بوده است. گلشایی، موسوی، و حقیقین (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی ضرب‌المثل‌های ترکی آذری، براساس نظریه استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری، پرداخته‌اند. براساس پژوهش آن‌ها، حوزه مبدأ حیوان و طرح‌واره حجمی بیش‌ترین بسامد و حوزه مبدأ گرما-سرما، مسیر، و طرح‌واره تعادلی کم‌ترین بسامد را دارد.

۶. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-استقرایی انجام پذیرفته است. فرایند گردآوری داده‌ها با روش‌های اسنادی و میدانی بوده است. در روش اسنادی حدود ۷۷۰ ضرب‌المثل مکتوب در کتاب *ضرب‌المثل‌های ایل قشقایی*، تألیف داوود بالیده و فرحناز ترک قشقایی (۱۳۹۰)، جمع‌آوری شده است و در روش میدانی، با مصاحبه با ده نفر از گویشوران بین سن چهل تا هشتاد سال، گویشوران ضمن ارائه حدود سی ضرب‌المثل مفاهیم ضرب‌المثل‌های کتاب را تأیید و تبیین کردند. از میان هشت صد ضرب‌المثل گردآوری‌شده، ۲۷۶ ضرب‌المثل دارای طرح‌واره تصویری شناخته شدند که در چهارچوب الگوی طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین (Evans and Green 2006) طبقه‌بندی شدند و براساس الگوهای ذکرشده موردتحلیل قرار گرفتند. تعدادی از آن‌ها نیز، که قابلیت ترجمه و معادل‌یابی به زبان فارسی را داشتند، در متن مقاله برای نمونه ذکر شده‌اند.

۷. ارائه و تحلیل داده‌ها

۱.۷ طرح‌واره جابه‌جایی (حرکتی)

طرح‌واره حرکتی طرح‌واره‌ای انتزاعی است که به‌واسطه تجربه حرکت انسان و سایر پدیده‌های اطرافش در ذهن وی شکل می‌گیرد و درباره چیزهایی به‌کار می‌رود که قادر به حرکت نیستند (Johnson 1987: 113-117). ارائه این طرح‌واره ایوانز و گرین (Evans and Green 2006) برای رعایت اصل اقتصاد بوده است تا همه انواع طرح‌واره‌های حرکت، مبدأ-مسیر-مقصد، را در بر گیرد. مثال زیر، نمونه‌ای از طرح‌واره حرکتی در گویش ترکی قشقایی است:

ædʒæl gælæn də xəbær edmæz. -

«آجل (مرگ) که بیاید، خبر نمی‌دهد».

در این ضرب‌المثل مرگ، که پدیده‌ای انتزاعی است، هم‌چون یک موجود یا شیء دارای حرکت است. بنابراین، گوینده به‌منظور متناظرسازی مفهوم مرگ از طرح‌واره حرکتی بهره گرفته است: مبدأ - مسیر - مقصد.

از جمله تجربه‌های جسمانی انسان‌ها رویارویی با مسیرهای مختلف است. گاهی انسان برای رسیدن به هدف یا مقصودی خاص باید از مسیر یا مبدأ مشخصی گذر کند. از دیدگاه جانسون، حرکت انسان و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک طرح‌واره‌ای انتزاعی را در ذهن انسان پدید می‌آورد. به بیان دیگر، انسان از طریق تجربه حرکت کردن خود و دیگر پدیده‌های متحرک، برای پدیده‌های مختلف، فضایی را می‌آفریند که در آن فضا می‌توان حرکت کرد و برای آنچه قادر به حرکت نیست، می‌توان چنین چیزی را در نظر گرفت. حرکت دارای آغاز و پایانی است (صفوی ۱۳۷۹: ۳۷۶). ضرب‌المثل‌های زیر نمونه‌هایی از این نوع طرح‌واره‌اند که تصویری در گویش ترکی قشقایی‌اند:

- gynlær gætfær biri qonar biri koetfær.

«روزها می‌گذرند، یکی اتراق می‌کند و دیگری کوچ می‌کند»؛ (بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین).

در این ضرب‌المثل، روزهای زندگی هم‌چون عنصری پویا و متحرک در مسیری معین تصویرسازی شده است که قابلیت سپری شدن و گذشتن دارد. به بیانی دیگر، گوینده در این ضرب‌المثل با الهام از سبک زندگی عشایری، که در فصول گوناگون در ییلاق و قشلاق اتراق و کوچ می‌کنند، با بیانی استعاری سرآغاز زندگی را به اتراق و پایان آن را به کوچ مانند کرده است که در این مثال سپری شدن عمر، حرکت در مسیر زندگی، تولد، و مرگ را با طرح‌واره مبدأ - مسیر - مقصد بیان کرده است.

- æjiræ i:k hæd tfadmaz.

«بار کج به منزل نمی‌رسد».

در این ضرب‌المثل، گوینده نادرستی را به‌مثابه باری کج در نظر گرفته است که هیچ‌گاه به مقصد نمی‌رسد. به عبارت دیگر، گوینده برای بیان استعاری عدم موفقیت در امور ناپسند و نامطلوب از طرح‌واره مبدأ - مقصد بهره گرفته است.

- saxla samane gælær zæmane

«گاه را نگه دار که زمان (استفاده از آن) فرا می‌رسد». معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «هرچه خوار آید روزی به کار آید».

بدین معنا که هر چیزی در زمان خودش لازم می‌شود. گوینده زمان را، که پدیده‌ای انتزاعی است، در قالب طرح‌واره حرکتی مفهوم‌سازی کرده است.

– obaniŋ dæmɛ hæŋ jana goɛdæ ardɛdæ goɛdær

«پیش‌گام و سردمدار ایل به هرسویی که برود پیروان و افراد پشت سرش نیز به همان‌جا می‌روند».

این ضرب‌المثل بدین معناست که هر چیزی پیرو اصل و منشأ خود است. در مثال حاضر، گوینده برای بیان استعاری تبعیت شخص از طریق و آیین نیاکان خویش، با استفاده از طرح‌واره حرکتی، مسیر حرکت کوچ عشایر را مثال می‌زند. وی هم‌چنین در جهت متناظرسازی مفاهیم نیاکان و افراد پیرو آن‌ها از طرح‌واره عقب-جلو بهره گرفته است.

– donjajɛ su apara ʃobanɛ uxɛh apara

«چوپان را خواب ببرد، دنیا را آب ببرد»؛ (هرکس باید بر وظیفه خود آگاه باشد). در مثال حاضر مفاهیم انتزاعی، چون به خواب رفتن و غفلت از انجام وظیفه و ایجاد هرج‌ومرج (آب‌بردن دنیا)، با طرح‌واره حرکتی بیان شده‌اند.

– soj bæqdad dan dynir.

«اصل و نسب از بغداد باز می‌گردد»؛ (اصل و نسب انسان از بین نمی‌رود). معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «گرگ‌زاده گرگ می‌شود». در مثال حاضر برای اصالت، که پدیده‌ای انتزاعی است، ویژگی‌ای چون بازگشتن و حرکت تصویرسازی شده است.

– ʃforæg vermejæn ʃforægæ ʃʃadmaz

«کسی که نان نمی‌دهد، به نان نمی‌رسد».

مفهوم این ضرب‌المثل این است که فرد خسیس به نان‌نوا نمی‌رسد. رسیدن به ثروت نیز در قالب طرح‌واره حرکتی تصویرسازی شده است.

۲.۷ طرح‌واره فضا

۱.۲.۷ بالا-پایین

از انواع طرح‌واره‌های فضا می‌توان طرح‌واره بالا-پایین را نام برد که انسان با قراردادن اشیای پیرامون یا جسم خود به‌عنوان محور وضعیت و موقعیت پدیده‌ها را نسبت به آن‌ها

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۶۹

می‌سنجد. به عبارت دیگر، این طرح‌واره چگونگی قرارگیری، وضعیت، و موقعیت پدیده‌ها را در سطوح بالاتر یا پایین‌تر یا در یک سطح مشخص می‌کند. به نمونه‌هایی از این طرح‌واره در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی اشاره می‌کنیم:

sæn hamife atle olman mæn pi:jada. -

«تو همیشه سواره و من همیشه پیاده نخواهم بود». معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «گهی پشت به زین و گهی زین به پشت».

در این ضرب‌المثل گوینده، باتوجه‌به سبک زندگی عشایری و استفاده از حیواناتی نظیر اسب برای حمل‌ونقل، سواره به‌عنوان فرد غنی و دارای جایگاه اجتماعی مطلوب در نظر گرفته شده است. پیاده نیز به فرد نیازمند و دارای شرایط اجتماعی نامساعد اطلاق می‌شود. گوینده برای بیان استعاری داشتن یا نداشتن شرایط و جایگاه اجتماعی مناسب، باتوجه‌به روال زندگی عشایر در قالب ضرب‌المثل، از طرح‌واره‌های بالا- پایین استفاده کرده است.

jer inæn gøj arasinda gir edmifæm. -

«بین زمین و آسمان گیر کرده‌ام!» (تکلیفم روشن نیست و نمی‌توانم تصمیم بگیرم). در این ضرب‌المثل برای متناظرسازی مفهوم استعاری بلا تکلیفی از طرح‌واره پایین- بالا استفاده شده است.

cezgæ atuna minaen pijade olar. -

«کسی که بر اسب دیگران سوار شود، پیاده می‌ماند!» (با وابستگی نمی‌توان به هدف رسید).

در این ضرب‌المثل، رسیدن به یک موقعیت با تکیه بر حمایت دیگران در قالب طرح‌واره بالا و شکست و ناکامی در قالب طرح‌واره پایین بیان شده است.

۲.۲.۷ - جلو - عقب

در این نوع طرح‌واره، انسان با محوریت جسم خود یا اجسام پیرامونش مشخص می‌کند که در وضعیتی جلوتر یا عقب‌تر قرار دارد. چنین تجربه‌هایی به پیدایش طرح‌واره‌های تصویری منجر می‌شوند که بسیاری از مفاهیم انتزاعی را به‌صورت تصویری به ذهن متبادر می‌کنند.

ilære gere danifma. -

«حرف پیش و پس نزن» که مفهوم آن (حرف نامربوط نزن) است.

در این جا، برای مفهوم‌سازی سخنان سنجیده و مرتبط با موضوع، از طرح‌واره جلو-عقب و هم‌چنین طرح‌واره ارتباطی استفاده شده است.

– ilære gere saruma.

«(نخ را)، پیش و پس نتاب (نریس)».

در این ضرب‌المثل گوینده، به منظور متناظرسازی سخن سنجیده و متناسب با بحث به گونه‌ای استعاری، بافندگی و ریستن و تابیدن نخ را، که از هنرهای زنان عشایری است و نیازمند دقت و نظم خاصی است، در قالب طرح‌واره جلو-عقب مطرح می‌کند.

۳.۲.۷ دور و نزدیک

طرح‌واره دور و نزدیک از تعامل با محیط پیرامون ایجاد می‌شود. در این نوع طرح‌واره، انسان به واسطه دوری و نزدیکی، موقعیت اشیا یا پدیده‌های پیرامون را نسبت به خود یا اشیای دیگر می‌سنجد. چنین تجربه‌ای وی را به ساخت طرح‌واره دور و نزدیک سوق داده است. برای مثال:

– bire ænfiriq dæ bire mænfiriq dæ.

«یکی در غرب و دیگری در شرق است»؛ (فاصله آن‌ها بسیار زیاد است و دسترسی به آن‌ها ممکن نیست).

در این ضرب‌المثل، برای بیان استعاری فاصله بسیار زیاد از دو جهت شرق و غرب، که نمایان‌گر دورترین فاصله بوده‌اند، استفاده شده است.

– ulduze nijana tu:t ta aje vuraŋ.

«ستاره را نشانه بگیر تا ماه را هدف قرار دهی»؛ (به هدف بزرگ‌تر بیندیش تا در نهایت به هدف کوچک‌تر دست یابی).

در این ضرب‌المثل، ستاره به مثابه دورترین هدف و ماه به منزله هدف قابل‌دست‌رس معرفی شده‌اند. بنابراین گوینده برای متناظرسازی مفاهیم استعاری اهداف اعلا و اهداف در دست‌رس از دو طرح‌واره دور و نزدیک بهره گرفته است.

– ældæke bir sirtfæ aqadzake sirtfæ dæn jej tærder.

«گنجشکی که در دست است از گنجشک روی درخت بهتر است»؛ (نقد بهتر از نسیه است).

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۷۱

در این ضرب‌المثل، برای بیان استعاری نقد و نسیه از طرح‌واره دور— نزدیک استفاده شده است.

– qar daqda olanda æziz olar.

«برف در کوه که باشد عزیز می‌شود»؛ (فامیل وقتی که دور است، عزیز است)؛ معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «دوری و دوستی».

۳.۷ طرح‌واره مهارشدگی

ایوانز و گرین (Evans and Green 2006) در تعریف این نوع طرح‌واره و چگونگی شکل‌گیری آن آورده‌اند: یک فنجان قهوه را در دستان خود تصور کنید. اگر آن را به‌طرف بالا یا پایین و یا از سمتی به‌سمت دیگر تکان دهید، انتظار دارید که محتویات آن نیز حرکت کند، اما فنجان محتویات درون خود را محدود می‌کند. به‌بیان‌دیگر، فنجان کنترل دینامیکی بر قهوه اعمال می‌کند. این امر بسیار واضح به‌نظر می‌رسد و این نوع شناخت، که ما آن را به‌آسانی می‌پذیریم، در نتیجه تعامل ما با محیط پیرامون حاصل شده است.

۱.۳.۷ حجم (ظرف)

طرح‌واره حجمی طرح‌واره‌ای است که انسان آن را از تجربه قرارگرفتن در مکان‌های حجم‌دار، مانند اتاق یا تخت، و نیز قراردادن اشیای گوناگون در مکان‌هایی حجم‌دار کسب می‌کند و به‌واسطه این تجربه، طرح‌واره‌های انتزاعی را در ذهن خود ایجاد می‌کند (Johnson 1987: 21-23). لیکاف معتقد است درک معنی این جمله‌ها براساس فرافکنی استعاره‌ای انجام می‌پذیرد که در آن طرح‌واره تصویری حجم به حوزه مفهومی انتزاعی کشیده می‌شود (راسخ‌مهند ۱۳۸۹: ۳۵). از دیدگاه جانسون، طرح‌واره حجمی دارای مجموعه‌ای از استلزامات و ویژگی‌های منطقی مانند حفاظت، مقاومت، محدودیت، و ثبات مکانی نسبی است (Johnson 1987: 114). در پژوهش حاضر، از میان انواع طرح‌واره‌های مهارشدگی تنها طرح‌واره حجم (ظرف) موردبررسی قرار گرفته است. در مثال‌های زیر، به نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های قشقایی که حاوی این طرح‌واره‌اند، اشاره شده است:

– adame baf dan tanjalar aqadze jafdan.

«انسان را از روی سر (عقلش) و درخت را از روی سن می‌شناسند (می‌سنجند)»؛
(شایستگی و انسانیت در گرو خردمندی است، نه سن و سال).

در این ضرب‌المثل، گوینده برای بیان مفاهیمی هم‌چون شایستگی و خردمندی از خواص ظرف‌گونه بهره گرفته است. سر به منزله ظرفی در نظر گرفته شده که مظروف آن عقل است.

– bir bafda bir gœz var.

«در یک سر فقط یک چشم وجود دارد»؛ (فقط یک فرزند پسر دارند).

ترک‌زبانان ارزش خاصی برای فرزندان پسر قائل‌اند، شاید به دلیل این‌که زندگی در شرایط سخت افرادی با روحیه جنگ‌آور، مقاوم، و سرسخت را برای حمایت خانواده می‌طلبد. در این ضرب‌المثل نیز چشم را به‌عنوان ظرفی در نظر می‌گیرد که مظروف آن امور انتزاعی مانند عشق، ارزش، و احترام است.

– axer bir vœqt olar doaremez hœm qaf olar.

«سرانجام زمانی می‌شود که گوسفندانمان در یک قاش (محل نگهداری دام‌ها) قرار می‌گیرند».

این ضرب‌المثل بدین معناست که بالأخره افراد با یکدیگر مواجه می‌شوند. در مثال حاضر، گوینده برای بیان رویارویی افراد قاش (محل نگهداری دام‌ها) را ظرفی متصور شده است که سرانجام در آن با یکدیگر مواجه می‌شوند.

۴.۷ طرح‌واره توازن (تعادل)

انسان در طول عمرش مفاهیمی از تعادل مانند دوچرخه‌سواری کردن، راه رفتن، و... را فرامی‌گیرد. نمونه چنین تجربه‌هایی انسان را به ساخت طرح‌واره‌ای در ذهن سوق می‌دهد که آن را طرح‌واره توازن (تعادل) می‌نامیم. در زیر به نمونه‌ای از این طرح‌واره اشاره می‌کنیم:

– hœr næ œkan elœ onu bitfœrœn.

«هرچه بکاری، همان را درو می‌کنی».

در این ضرب‌المثل، برای بیان استعاری توازن میان اعمال انسان و نتیجه اعمال وی، با استفاده از ضرب‌المثل، فرایند کاشت و برداشت محصول در قالب طرح‌واره تعادل مطرح شده است.

– hœr kœs jere artux zeraœte tfox.

«هرکس زمینش بیش‌تر باشد، زراعتش نیز بیش‌تر است». معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «هرکه بامش بیش، برفش بیش‌تر». در این ضرب‌المثل نیز به‌گونه‌ای استعاری توازن میان ثروت بیش‌تر و در نتیجه مشکلات آن تصویرسازی شده است.

۵.۷ طرح‌واره نیرو

۱.۵.۷ اجبار

این طرح‌واره حاصل تجربه تحت‌تأثیر قرارگرفتن یک نیروی خارجی است؛ مشابه فردی که در جمعیت زیاد با فشار به جلو رانده می‌شود یا تحت‌تأثیر باد شدید یا جریان سیل، اشیا به حرکت درمی‌آیند. گاه این نیرو کنترل‌ناشدنی است و گاه قابلیت تعدیل دارد (Johnson 1987: 45). ضرب‌المثل زیر نمونه‌ای از کاربرد این طرح‌واره در گویش ترکی قشقایی است:

– nænæ jin ærenæ gydzung etifmæde de næræ boa.

«وقتی که به شوهر مادرت زورت نرسید، به او بگو بابزرگ». این ضرب‌المثل بیان‌گر موقعیتی است که فرد با شخصی زورگو، قدرت‌مند، و با جایگاه اجتماعی بالاتر روبه‌روست و به اجبار باید با وی ارتباط مسالمت‌آمیزی داشته باشد. گوینده ضرب‌المثل با بیانی استعاری مخاطب را به تدبیر، درایت، و برخوردی توأم با ملایمت در برابر شخص زورگو ترغیب می‌کند.

– adɟ lig dan goez ʃaxardir.

«از گرسنگی چشم درمی‌آورد».

در مثل حاضر، نهایت فقر و اجبار با استفاده از طرح‌واره اجبار مفهوم‌سازی شده است.

۲.۵.۷ نیروی متقابل

گاهی انسان در مسیر زندگی با دو نیروی یکسان مواجه می‌شود که هم‌چون سدی مستحکم در برابر یک‌دیگرند و هیچ‌یک قادر به حذف دیگری نیست؛ مانند زمانی که انسان از حادثه‌ای ناگوار جان سالم به‌در می‌برد و تقابل دو نیروی یکسان سبب نجات او می‌شود (Johnson 1987: 46-47). بنابراین، سخن‌گوی زبان از طریق چنین تجربیاتی می‌تواند مفاهیم انتزاعی را در ذهن خود به‌وسیله طرح‌واره نیروی متقابل گسترش معنایی دهد. در ادامه به نمونه‌هایی از کاربرد این‌گونه طرح‌واره در ضرب‌المثل‌های قشقایی اشاره شده است:

– su: otɛ kor edær.

«آب آتش را خاموش می‌کند»؛ (آب و آتش یک جا جمع نمی‌شوند).

در این ضرب‌المثل، آب و آتش به‌عنوان دو نیروی متقابل متصور شده‌اند که وجود هر یک دیگری را خنثی می‌کند. گوینده برای بیان تضاد میان دو نیروی متقابل (اعم از انسان، اشیا، و پدیده‌ها) از طرح‌واره نیروی متقابل بهره گرفته است.

– jaqinan su: birbir inæn qærifmæz.

«روغن و آب با یکدیگر ترکیب نخواهند شد».

این ضرب‌المثل، در مواقعی کاربرد دارد که دو نفر با یکدیگر تفاهم ندارند. گوینده برای بیان استعاری تقابل میان دو فرد مخالف یکدیگر از این نوع طرح‌واره استفاده کرده است.

– hæŕ qærænĵi da bir ajadin var.

«هر تاریکی یک روشنایی نیز دارد»؛ (پایان شب سیه سپید است).

– ta gœdmeĵæn taze jurda kohne jurdiŋ qædrene bilmæn.

«تا به جایگاه (محل اتراق) جدید نروی، ارزش جایگاه قبل را درک نمی‌کنی». معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «قدر عافیت آن کسی داند که به مصیبتی دچار شده است». گوینده به منظور ترغیب مخاطب به قدرشناسی از نعمات در اختیارش، به گونه استعاری، تقابل میان عافیت و مشکلات را در قالب طرح‌واره نیروی متقابل مطرح کرده است.

۳.۵.۷ رفع مانع

گاهی انسان با موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که مانع از مسیر حرکت کنار می‌رود و حرکت بدون هیچ وقفه‌ای ادامه می‌یابد. چنین تجربیاتی انسان را به ساخت طرح‌واره رفع مانع در ذهن سوق می‌دهد.

– kænæ qolqole dyfdu kætĵlæ fursæt.

«در شهر بلوایی به پا شد و برای کچل فرصتی فراهم شد». معادل این ضرب‌المثل در زبان فارسی است: «هایی شد و هوایی شد، گل به نوایی رسید»؛ اشاره به فرد فرصت‌طلب است.

در این ضرب‌المثل گوینده با بیانی استعاری ایجاد بلوا و آشوب در شهر را مثال می‌زند که به این واسطه موانع از مسیر شخص فرصت‌طلب برداشته می‌شود و او به هدف خود می‌رسد.

– diŋ ki aqurir ūækaesijæn.

«دندانی که درد می‌کند باید کشید».

مثل حاضر بدین معناست که تنها راه رفع مزاحم دائمی از بین بردن آن است.

۴.۵.۷ توانایی

انسان در زندگی با موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که بودن یا نبودن نیرویی را در خود درک می‌کند؛ برای مثال او قادر است نوزادش را بلند کند و در آغوش بگیرد، اما نمی‌تواند خودرو را بلند کند. با وجود این که این توانایی یک باور ذهنی است، از دیدگاه جانسون، بردار بالقوه‌ای از نیرو را تشکیل می‌دهد که او آن را طرح‌واره توانایی نامیده است. در صورت نبود هیچ مانعی، این بردار بالقوه نیرو توانایی جابه‌جایی اشیا را به ما می‌دهد (Johnson 1987: 46-47). در این جا به نمونه‌ای از این طرح‌واره در ضرب‌المثل‌های قشقایی اشاره می‌کنیم:

æli:m baqlu dur. -

«دستم بسته است»؛ (نمی‌توانم کاری انجام دهم).

در این ضرب‌المثل، ناتوانی در انجام کارها با طرح‌واره تصویری توانایی مفهوم‌سازی شده است.

qar:ε it gælajε olmaz. -

«سگ پیر گلایی نمی‌شود»؛ افرادی که به‌علت پیری نمی‌توانند مهارتی جدید را کسب کنند.

qurd dan qorxan qojun æjæse olmaz. -

«کسی که از گرگ بترسد، صاحب میش نمی‌شود»؛ آدم ترسو قادر به دفاع از حق خودش نیست.

quru aqadʒ soarmag nan gœj olmaz. -

«چوب (درخت خشکیده با آبیاری سبز نمی‌شود).

این ضرب‌المثل بدین معناست که آدم‌های بی‌اصل و نسب نمی‌توانند الگو باشند. در مثال‌های ذکر شده، با بیانی استعاری طرح‌واره توانایی مفهوم‌سازی شده است.

۵.۵.۷ جذب

این طرح‌واره از تجربه انسان در مشاهده جذب یک شیء به سمت شیء دیگر به کمک تأثیر نیروی وارد شده بر آن ایجاد می‌شود. برای مثال، جذب براده‌های آهن توسط آهن‌ربا یا کشش گردوغبار و زباله‌ها به وسیله جاروبرقی (Johnson 1987: 47). این طرح‌واره نیز می‌تواند در موارد انتزاعی کاربرد یابد. برای مثال:

– arze lajan bular i:nelajan ølær

«کسی که خواهان چیزی است، آن را می‌یابد و کسی که مدام آه‌وناله می‌کند، می‌میرد». در این ضرب‌المثل، به جذب خواسته‌ها و امور نیک و بد اشاره شده است.

۶.۵.۷ انسداد (مانع)

گاهی در مسیر حرکت انسان یا پدیده‌های پیرامونش سد یا مانعی ایجاد می‌شود که واکنش وی در برابر این مانع به میزان قدرت او بستگی دارد. بدین ترتیب، او براساس این تجربه تصویری در ذهن خود می‌سازد که همان طرح‌واره انسداد (مانع) است.

– jole itfi næ daf atir.

«در مسیر حرکتش سنگ می‌اندازد»؛ (ایجاد مشکل برای کسی).

ایجاد مانع و مشکل در مسیر زندگی، کار، و فعالیت دیگران با استفاده از طرح‌واره انسداد بیان شده است.

– qurd vurdu duara vaj ona ke bir gætfæ varu.

«گرگ به دام‌ها حمله کرد، وای به حال آن که یک بز دارد»؛ معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «هرچی سنگه، پیش پای لنگه».

موانع و مشکلات در برابر افراد ضعیف و تهی‌دست بیش‌تر ظاهر می‌شوند. در این ضرب‌المثل، حمله گرگ به دام‌ها همانند یک مانع برای فرد ضعیف به‌تصویر کشیده شده است.

– dul olmagnæn o qæhæt ligem belænæ gældæ.

«هم‌زمان با بیهوش‌شدنم قحطی و تنگ‌دستی نیز در زندگی‌ام آمد»؛

(گر در همه دهر یک سر نیشتر است

در پای کسی رود که درویش‌تر است).

موارد مطرح‌شده در این ضرب‌المثل بروز موانع متعدد، به‌یک‌باره در مسیر زندگی فرد، با بهره‌گیری از طرح‌واره انسداد مطرح شده است.

۷.۵.۷ مقاومت

طرح‌واره مقاومت آخرین نوع از طرح‌واره‌های نیروست. این طرح‌واره ناشی از تجربه انسان در مشاهده و درک مقاومت یک شیء در برابر شیء دیگر به‌کمک تأثیر نیروی واردشده بر

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۷۷

آن است، مانند مقاومت یک سنگ در برابر سیل. این طرح‌واره نیز قابلیت گسترش به موارد انتزاعی را دارد؛ مثال:

– bir dəqəjın housələsi miñ ilin tƣerəgu dur

«یک دقیقه حوصله (صبر)، برابر با نان (رزق) هزارساله است». معادل‌های این ضرب‌المثل در فارسی است: «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی»، «صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد».

صبر به معنای مقاومت و خویشتن‌داری در برابر سختی‌ها و ایستادگی در برابر مسائل گوناگون است. گوینده در این ضرب‌المثل، با متناظرسازی اهمیت صبر و به‌تصویرکشیدن نتیجه مقاومت در شرایط گوناگون، صبر را معادل پاداش و رزقی بی‌پایان می‌داند که با آن می‌توان بر فرجامی نیک و رستگاری نائل شد.

– æræbi at œzenæ falaq jodmaz.

«اسب عربی تازیانه را به‌خود راه نمی‌دهد»؛ (فرد زیرک در برابر حیل‌های دیگران تسلیم نمی‌شود).

مقاومت در برابر مکر دیگران با استفاده از طرح‌واره مقاومت مفهوم‌سازی شده است.

۶.۷ طرح‌واره اتحاد

۱.۶.۷ اتحاد

انسان در زندگی روزمره با موارد بسیاری از پیوستگی و متحدشدن اشیا و پدیده‌های پیرامون خود با یک‌دیگر مواجه می‌شود، مانند اتحاد در میان قبایل و کشورهای مختلف. از این رو، انسان تجارب مادی خود را به امور انتزاعی گسترش می‌دهد و طرح‌واره اتحاد را در ذهن خود می‌سازد.

– el atan daf i:raqa gedær.

«سنگی که (با همکاری) همه مردم ایل پرتاب شود، مسافت دورتری را طی می‌کند»؛ (با اتحاد و هم‌دلی می‌توان به پیروزی رسید).

– tæk atle da toz olmaz.

«تاخت‌وتاز یک اسب به‌تنهایی گردوغبار راه نمی‌اندازد»؛ (بدون اتحاد پیشرفت میسر نمی‌شود).

در مثل‌های بالا، گوینده با در نظر گرفتن سبک زندگی عشایری، با استفاده از مفاهیم استعاری، برای ترغیب دیگران به همکاری در انجام امور از طرح‌واره اتحاد بهره می‌گیرد.

۲.۶.۷ جزء و کل

انسان در زندگی روزمره با موارد بسیاری مواجه می‌شود که بیان‌گر پیوستگی کلی-جزئی هستند، مانند اعضای بدن که به‌عنوان جرئی از کل بدن هستند. این مشاهدات به ساخت طرح‌واره جزء و کل می‌انجامد. مثال:

tylkijæ dedilær fahediŋ kimnir dede qu:jruqum. -

«به روباه گفتند شاهدت کیه گفت دُم.»

در این مثل، گوینده با قصد بیان وجود پیوستگی میان شخص دروغ‌گو و گواه وی از قابلیت استعاری ضرب‌المثل بهره گرفته است و آن را در قالب طرح‌واره تصویری جزء و کل مطرح کرده است.

qojruq inan qoz qirir. -

«با دمش گردو می‌شکند.»

این ضرب‌المثل بیان‌گر نهایت شادی است.

dyjæ qojruqu jeræ gælændæ bu if olar. -

«زمانی که دم شتر به زمین بیاید، این کار انجام می‌شود؛ (محال بودن انجام کاری).»

tilki tilkijæ dejt tiklki denir qojruquna dejt. -

«روباه به روباه می‌گوید و روباه برمی‌گردد و به دمش می‌گوید. معادل این ضرب‌المثل در فارسی است: «نوکر ما نوکری داشت و نوکر او هم چاکری.»
نافرمانی و بی‌حاصل ماندن وظایف محوله با طرح‌واره جزء و کل مطرح شده است.

۳.۶.۷ ارتباط

این طرح‌واره آخرین گونه از طرح‌واره اتحاد است. انسان با مشاهده ارتباطات انسانی نظیر رابطه میان دوستان، روابط عاطفی، و... و هم‌چنین با تجربه اموری که با روابط علت-معلولی سروکار دارند، طرح‌واره ارتباط را در ذهن خود می‌سازد. به‌کارگیری این طرح‌واره توسط سخن‌گویان زبان، نمایان‌گر متدوال بودن این مفهوم در ارتباطات انسانی است. این

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۷۹

طرح‌واره نیز قابلیت گسترش معنایی به موارد انتزاعی را دارد. در ادامه به نمونه‌ای از کاربرد این ضرب‌المثل در گویش ترکی قشقایی اشاره شده است:

anasina bax qizine al qeraqina bax bezene al. -

«به مادرش نگاه کن و دختر را بگیر، گوشه پارچه را نگاه کن و آن را بخر». این مثل به ارتباط خصلت‌های مادر و دختر اشاره دارد.

۷.۷ طرح‌واره هم‌سانی

تجربه انسان در مواجهه با اشیا و پدیده‌های مشابه، مانند شباهت ظاهری و رفتاری میان اعضای یک خانواده، طرح‌واره‌ای انتزاعی را در ذهن او شکل می‌دهد که طرح‌واره هم‌سانی نامیده می‌شود.

bef burmaq birbir tækin olmaz. -

«پنج انگشت مثل هم نیستند»؛ (همه افراد یک خانواده از لحاظ اخلاق و رفتار شبیه به هم نیستند).

گوینده افراد جامعه را به‌مثابه انگشتان دست در نظر می‌گیرد که با وجود داشتن کارکرد کم‌وبیش یک‌سان متفاوت‌اند. بنابراین، برای بیان استعاری تفاوت در خلیقات و عقاید میان افراد، از طرح‌واره هم‌سانی بهره گرفته شده است.

ate at januna baqlejana hæm ræŋ olmaz hæm xoj olar. -

«اسبی را کنار اسب دیگر ببندی، هم‌رنگ نمی‌شوند، هم‌خوی می‌شوند». معادل مثل حاضر در زبان فارسی است: «کمال هم‌نشین بر من اثر کرد، وگرنه من همان خاکم که هستم».

خوی و منش انسان‌ها بر یک‌دیگر اثر می‌گذارد. تأثیرپذیری و هم‌گونی خصلت‌های افراد در گذر زمان با استفاده از طرح‌واره هم‌سانی مطرح شده است.

۸.۷ طرح‌واره موجودیت

طرح‌واره موجودیت از مشاهده و درک هرآنچه وجود دارد، شکل می‌گیرد. یکی از انواع طرح‌واره‌های موجودیت طرح‌واره شیئی است. انسان با مشاهده اشیا پیرامون خود درمی‌یابد که اشیا مختصات و ویژگی‌های متفاوت با موجودات زنده دارند؛ ویژگی‌هایی

نظیر رشد و حرکت کردن، شنیدن، حس کردن، و... انسان با در نظر گرفتن این خصوصیات در اشیا طرح‌واره‌ای را در ذهن می‌سازد و آن را به موارد انتزاعی نیز گسترش می‌دهد.

æqlenε εdgarε vermjf. -

«عقلش را اجاره داده است»؛ (دیگران به جای او تصمیم می‌گیرند).

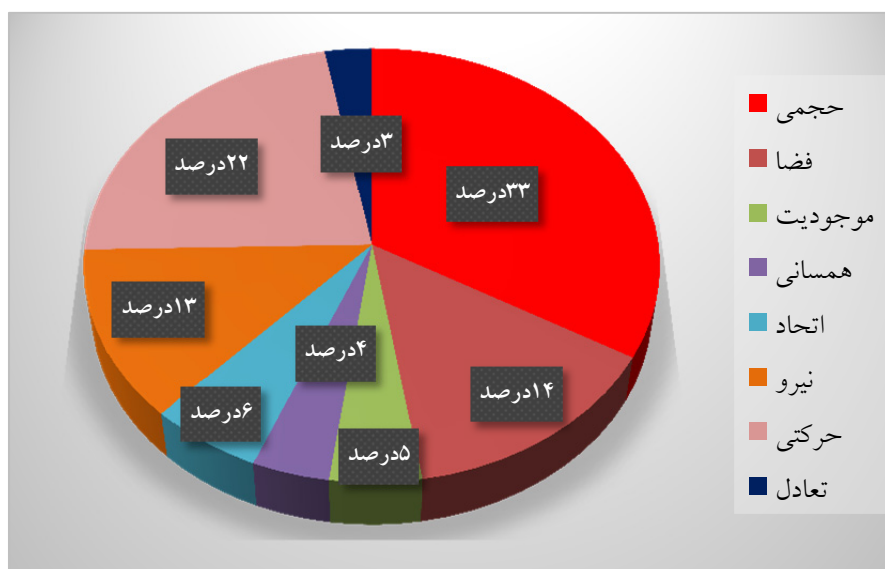
در این مورد عقل، که پدیده‌ای انتزاعی است، مانند شیء مادی در نظر گرفته شده است که قابل سپردن و اجاره‌دادن به دیگران است.

adam gouhærenε dafa vurmaz. -

«انسان گوهر وجودی خود را بر سنگ نمی‌زند»؛ (انسان نباید خود را خوار کند).

در این مثل، کرامت و گوهر وجودی انسان، که اموری انتزاعی‌اند، هم‌چون امور مادی جهان پیرامون، قابلیت شکستن و برسنگ‌زدن دارند.

در این پژوهش، پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، میزان فراوانی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی به دست آمد. در نمودار ۱ توزیع کلی میزان فراوانی طرح‌واره‌های یافت‌شده در پیکره زبانی ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی، در چهارچوب الگوی طرح‌واره تصوری ایوانز و گرین (Evans and Green 2006)، ترسیم شده است.



نمودار ۱. میزان فراوانی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که طرح‌واره مهارشدگی (حجمی)، با ۳۳.۳ درصد فراوانی، بیش‌ترین کاربرد را در ضرب‌المثل‌ها به‌خود اختصاص داده است و طرح‌واره تعادل تنها ۲.۹ درصد از این آمار را به‌خود اختصاص داده است.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

شواهد به‌دست‌آمده از بررسی ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی نشان داد که انواع کلی طرح‌واره‌های مطرح‌شده در الگوی ایوانز و گرین (Evans and Green 2006) در این ضرب‌المثل‌ها مشاهده شد. عبارات استعاری حاوی طرح‌واره مهارشدگی (حجمی)، با ۳۳.۳ درصد فراوانی، و پس‌از آن طرح‌واره حرکتی، با ۲۲.۵ درصد فراوانی، بیش‌ترین و عبارات استعاری دارای طرح‌واره تعادلی، با ۲.۹ درصد فراوانی، کم‌ترین میزان کاربرد را در این ضرب‌المثل‌ها دارند. با مقایسه نتایج جستار حاضر با نتایج پژوهش روشن و دیگران (۱۳۹۲) درمی‌یابیم که در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان بالاترین درصد فراوانی متعلق به طرح‌واره حجمی و پس‌از آن طرح‌واره هم‌سانی بوده است، درحالی‌که در ضرب‌المثل‌های ترکی قشقایی، پس از طرح‌واره حجمی، طرح‌واره حرکتی بیش‌ترین میزان کاربرد را به‌خود اختصاص داده است. این‌که حرکت و پویایی با ماهیت زندگی عشایری پیوند خورده است، علت تفاوت به‌کارگیری طرح‌واره حرکتی در میان ضرب‌المثل‌های قشقایی است. از سوی دیگر، با مقایسه نتایج گلشایی و دیگران (۱۳۹۸)، درمورد طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری مشاهده شد که در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری نیز بیش‌ترین طرح‌واره‌های تصویری به‌کاررفته متعلق به طرح‌واره‌های حجمی و کم‌ترین طرح‌واره‌های تصویری متعلق به دسته طرح‌واره‌های تعادلی است و نتایج پژوهش مطرح‌شده با پژوهش حاضر هم‌سوست.

از این یافته‌ها، می‌توان چنین استنباط کرد که باتوجه‌به این‌که بدن انسان نخستین و ملموس‌ترین ظرف در اختیار اوست، بنابراین می‌تواند اساس ایجاد ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین طرح‌واره‌ای باشد که جانسون (Johnson 1987) آن را طرح‌واره مهارشدگی (حجمی) نامید. بنابراین، این مسئله را می‌توان توجیهی شناختی برای بسامد بالای وقوع این طرح‌واره دانست. باتوجه‌به نظام زندگی عشایر، پویایی و حرکت مشخصه بارز افراد ایل است. کوچ عشایر در فصول معینی از سال در مسیرهای دشوار برای یافتن چراگاه مناسب از دلایلی است که گویشوران ترکی قشقایی برای بیان استعاری اشیا و پدیده‌های پیرامون خود، از

ویژگی‌هایی چون حرکت، مسیر-مبدأ-مقصد، و در نتیجه از طرح‌واره حرکتی، زیاد استفاده می‌کنند. هم‌چنین، افراد ایل در تعامل با محیط پیرامون برای انتقال مضامین ارجاعی و ارزش‌گذاری مفاهیم، براساس فیزیولوژی بدن خود، از طرح‌واره فضایی بهره می‌جویند. واژه اتحاد به معانی یکی‌شدن، پیوستگی، یک‌دلی، و یگانگی داشتن است. زندگی ایلی متشکل از افرادی از طوایف و تیره‌های گوناگون است. افراد ایل در جهت نیل به اهداف سیاسی و اجتماعی گوناگون همواره با یک‌دیگر متحدند، زیرا این اتحاد رکن اساسی در حفظ اموال و قلمرو سکونت آن‌هاست. ازسوی دیگر، اتحاد اصل مهم و محوری برای اجرای اصول و قوانین در زندگی ایلی است. این توضیحات مؤید کاربرد قابل توجه طرح‌واره اتحاد در میان قشقایی‌هاست. عشایر مردمانی پرتلاش و مقاوم‌اند. هم‌چنین، توانایی آن‌ها در رفع موانع و فائق‌آمدن بر مشکلات می‌تواند مؤید وجود طرح‌واره قدرتی در گفتار آنان باشد. با نگاهی به زندگی مردم عشایر می‌توان جنبه‌هایی از توازن را در تمامی ابعاد مشاهده کرد. زندگی آن‌ها مختص به یک بعد نیست و آن‌ها به موازات امور معیشتی به هنر و ورزش‌هایی هم‌چون اسب‌سواری و تیراندازی نیز می‌پردازند. ازسویی، انجام هر یک از ورزش‌های ذکر شده نیازمند تعادل در جهت افزایش دقت اجرا و اصابت به هدف است. بنابراین دور از ذهن نیست که افراد برای بیان استعاره مفاهیم از طرح‌واره تعادل نیز بهره بگیرند. هم‌زیستی افراد با روحيات گوناگون اما با آداب‌ورسوم و ارزش‌های یک‌سان در قلمروی واحد و ازسوی دیگر تمایل ذهنی افراد در همانندسازی پدیده‌های پیرامون، چون حیوانات، عناصر طبیعت، و... را می‌توان توجیهی برای به‌کارگیری طرح‌واره هم‌سانی دانست. این‌که افراد با بهره‌گیری از اصل تداعی، قوه تخیل، و هم‌چنین تجارب روزمره مفاهیم ذهنی خود را با استفاده از دو ابزار مهم، یعنی زبان و اندیشه، عینیت می‌بخشند و امور انسانی را به اشیا و پدیده‌های پیرامون نسبت می‌دهند، دلایل وجود طرح‌واره موجودیت در میان ضرب‌المثل‌های قشقایی است.

کتاب‌نامه

- باباسالاری، زهرا و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی شناختی طرح‌واره‌های تصویری در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی»، *مجله زبان و زبان‌شناسی*، س ۱۱، پیاپی ۲۱.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و منیره محرابی کالی (۱۳۹۲)، «طرح‌واره چرخشی در غزلیات سعدی و حافظ شیرازی»، *فصل‌نامه نقد ادبی*، س ۶، پیاپی ۲۳.
- بالیده، داوود و فرحناز ترک قشقایی (۱۳۹۰)، *ضرب‌المثل‌های ایل قشقایی*، تهران: ره‌آورد هنر.

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۸۳

- بهمن‌یار، احمد (۱۳۶۹)، *داستان‌نامه بهمنیاری*، تهران: دانشگاه تهران.
- پاک‌نژاد، محمد، الخصاص ویسی، و محمود نقی‌زاده (۱۳۹۶)، «بررسی طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شمال خوزستان در گویش دزفولی»، *زبان‌پژوهی*، س ۱۹، پیاپی ۲۴.
- حاجی نصرالله، شکوه (۱۳۸۱)، «نگاهی به ادبیات پیش از دبستان»، *پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان*، پیاپی ۳۰.
- خسروی، سمیرا، حسین خاک‌پور، و سمیرا دهقان (۱۳۹۳)، «بررسی طرح‌های تصویری در معناشناسی شناختی واژگان قرآن (با تمرکز بر طرح حجمی، حرکتی و قدرتی)»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی قرآن*، س ۲، ش ۴.
- درداری، نوروز (۱۳۸۸)، *تاریخ اجتماعی سیاسی ایل بزرگ قشقایی*، شیراز: قشقایی.
- ذوالفقاری، اختر (۱۳۹۵)، *نظام حاکم بر استعاره‌های مفهومی در حوزه دنیوی و اخروی در زبان قرآن*، رساله دکتری، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب‌المثل‌های فارسی»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، س ۸، ش ۲.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹)، *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*، تهران: سمت.
- روشن، بلقیس، فاطمه یوسفی‌راد، و فاطمه شعبانیان (۱۳۹۲)، «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان»، *زبان‌شناخت*، س ۴، ش ۲.
- شیخ سنگ‌تجن، شهین (۱۳۹۶)، «بررسی طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های گویش تالشی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، *زبان‌شناخت*، س ۸، ش ۲.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر.
- عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۳)، *فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی*، تهران: علمی.
- کیانی، منوچهر (۱۳۷۶)، *سیاه‌چادرها*، شیراز: کیهان نشر.
- گری، مارتین (۱۳۸۲)، *فرهنگ اصطلاحات ادبی (در زبان انگلیسی)*، ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- گلشایی، رامین، فرزانه موسوی، و فریده حق‌بین (۱۳۹۸)، «تحلیلی شناختی از استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های ترکی آذری»، *فصل‌نامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، س ۸، ش ۲.
- گندمکار، راحله (۱۳۹۰)، «رویکردی شناختی به مسئله هم‌معنایی بافتی در سطح افعال زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبانی*، ش ۲.
- گویا، زهرا و عبدالله حسام (۱۳۸۶)، «طرح‌واره‌های ذهنی: توجیه‌گر بدفهمی‌های ریاضی دانش‌آموزان»، *فصل‌نامه روان‌شناسی کاربردی*، ش ۲.
- لغت‌نامه* (۱۳۳۰)، به‌کوشش علی‌اکبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- هیأت، محمدجواد (۱۳۸۰)، *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*، تهران: پیکان.

یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۲)، بررسی استعاره زمان در زبان فارسی: رویکرد معناشناسی شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- Bartlett, F. C. (1932), *Remembering: A Study in Experimental and Social Psychology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Coegnarts, M. and P. Kravanja (2012), "From Thought to Modality: A Theoretical Frame Work for Analyzing Structural Conceptual Metaphors and Image Metaphors in Film", *Image and Narrative*, vol. 13, no. 1.
- Croft, W. and D. A. Cruse (2004), *Cognitive Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Esager, M. (2011), *Fire and Water: A Comparative Analysis of Conceptual Metaphors in English and Danish news Articles about the Credit Crisis*, Available at: <<https://pdfs.semanticscholar.org/8210/3598a70525cadb2d56cad52229e8fa951664.pdf>>.
- Evans, V. and M. Green (2006), *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.
- Eweida, S. (2006), *The Realization of Time Metaphors and the Cultural Implications: An Analysis of the Quran and English Quranic Translations*, Special Project PK, Stockholm University: Department of English.
- Fuchs, Hans U. (2007), "From Image Schema to Dynamical Models in Fluids, Electricity, Heat and Motion", Department of Physics, Zurich University of Applied Science of Winterthur.
- Geeraerts, D. (1995), *Cognitive Linguistics: Handbook of pragmatics*, Amsterdam: J. Benjamin Pub, Co.
- Ibanez, F. (2008), "Cross-Linguistics Analysis, Second Language Teaching and Cognitive Semantics: The Case Study of Spanish Diminutives and Reflexive Constructions", in: *Cognitive Approaches to Pedagogical Grammar*, Sabine Du knop Teun De Rycker (eds.).
- Johnson, M. (1987), *The Body in the Mind*, Chicago: University of Chicago Press.
- Kravanja, P. (2012), "From Thought to Modality: A Theoretical Frame Work for Analyzing Structural Conceptual Metaphors and Image Metaphors in Film", *Image and Narrative*, vol. 13, no. 1.
- Lakoff, G. (1987), *Women, Fire and Dangerous Things*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. and M. Turner (1989), *More than Cool Reason: Afield Guide Poetic Metaphor*, Chicago: The University Chicago Press.
- Langacker, R. W. (2008a), *Cognitive Grammar*, Oxford University Press.
- Littlemore, J. (2009), *Applying Cognitive Linguistics to Second Language Learning and Teaching*, New York: Palgrave Macmillan.
- Loebner, S. (2002), *Understanding Semantics (Understanding Language)*, First Edition, Rutledge.
- New Oxford American Dictionary* (2012), Reference Type: English Dictionary, Current Version: Oxford Dictionary of English (3rd Edition).

بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ضرب‌المثل‌های گویش ترکی قشقایی ۱۸۵

Oberling, P. (2003), "Qaşqā' i Tribal Confederacy I. History", *Encyclopædia Iranica*.

Qiu, A. and J. Huang (2012), "The Effects of Dynamic Image Schema on ESL Students Systematic Improvement of Listening Comprehension: A Dynamic System Theory Perspective", *Learning and Development*, no. 1.

Shoker Mohammad Abdulmoneim, B. (2006), *The Metaphorical Concept 'Life is a Journey' in the Qur'an: A Cognitive-Semantic Analysis*, MA Degree, Department of English Language and Literature.

Smit, T. (2010), *Conceptual Metaphor and Comprehension in Business Writing*, University of Namibia.

